

متن پرسش

سلام. من در جایی دیدم که روایت شده امام باقر سلام الله علیه چاق و فربه بوده اند به طوری که وقتی می خواستند به مزرعه بروند، چند غلام زیر بغل ایشان را می گرفته اند. مگر چنین چیزی ممکن است؟ مگر غیر از استدلال دروغ بودن این روایات توجیه دیگری هم می شود کرد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: برخی متون از جمله داستان راستان شہید مطہری و حکمتها و اندرزهای ایشان ج ۱ ص ۱۷۸، استفاده می شود. امام باقر «علیه السلام» چاق بوده است، اما این امر به گونه ای نبود که حضرت را از حالت معتدل و طبیعی خارج کرده باشد. از آن جایی که حضرت مقدار قوی هیکل بود، وی را چاق نشان می داد. در ضمن صرف قوی هیکل و چاق بودن امام، با زهد حضرت منافات ندارد، زیرا امام مانند آن دسته انسان ها نبود که با زیاد غذا خوردن چاق شده باشد. امام یکی از زهاد بود و مانند امامان دیگر زهد و ساده زیستی را رعایت می کرد و به عبادت خداوند دعا و نیایش می پرداخت. افزون بر آن تنها عوامل چاقی زیاد غذا خوردن نیست، ممکن است انسان غذای کم بخورد و بهداشت را رعایت کند و چاق شود. شاید امام - به رغم این که - زهد را رعایت و از غذای ساده استفاده می نمود، در عین حال چاق بود. شاید هم حضرت به جهت گرمای زیاد نتوانسته بود یا به جهت کھولت سن یا بیماری نیاز به مساعدت غلامان داشت. گرچه شہید مطہری از امام به عنوان " انسان چاق و فربه" یاد کرده اما مقصود استاد آن نیست که امام به حدی چاق بود که چند نفر زیر بغل حضرت را گرفته بودند. اگر کسی این قدر چاق باشد، دیگر نمی تواند کار کند، و حال اینکه امام کار می کرد، از این رو مورد اعتراض مردی به نام محمد بن منکدر قرار گرفت. او گفت: این مرد کیست که در این هوای گرم خود را به دنیا مشغول ساخته است؟! امام فرمود: اگر مرگ من در همین حال برسد و من بمیرم، در حال عبادت و انجام وظیفه از دنیا رفته ام، زیرا این کار عین طاعت و بندگی خداست. خیال کرده ای که عبادت منحصر به ذکر و نماز و دعاست. زندگی و خرج دارم. اگر کار نکنم و زحمت نکشم، باید دست حاجت به سوی تو و امثال تو دراز کنم. من در طلب رزق می روم که احتیاج خود را از کس و ناکس سلب نکنم. وقتی باید از فرا رسیدن مرگ ترسان باشم که در حال معصیت و خلافتاری و تخلف از فرمان الهی باشم، نه در چنین حالی که در حال اطاعت امر حق هستم که مرا موظف کرده بار دوش دیگران نباشم و رزق خود را خودم تحصیل کنم. (۱) مجموعه آثار استاد مطہری، ج ۱۸، ص ۲۳۷، قم، صدرا